

بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی (با استفاده از تکنیک دلفی)

تقی آزاد ارمکی^۱، مهدی مبارکی^۲، زهره شهبازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۵/۱۵

چکیده

این جستار با هدف بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی، به مطالعه و کاوش در رابطه با مفهوم توسعه اجتماعی در سطوح بین‌المللی و ملی پرداخته است. روش این مطالعه با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق، توصیفی و کیفی است که در دو مرحله کتابخانه‌ای و همچنین تکنیک دلفی صورت گرفته است. حجم نمونه مطالعه (روش دلفی) از ۳۰ نفر از صاحب‌نظران آکادمیک و متولیان اجرایی حوزه توسعه اجتماعی که به شکل غیر تصادفی انتخاب شده‌اند، تشکیل شده است. در نهایت بر اساس محاسبه شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت در فرایند تکنیک دلفی، مفهوم توسعه اجتماعی با عنوان کیفیت سیستم اجتماعی از طریق نهادینه کردن اخلاق توسعه به ویژه «اخلاق توسعه اجتماعی» برای حصول به «همبستگی (وفاق) اجتماعی» و «عدالت اجتماعی» در جهت بالا بردن «سطح کیفیت زندگی» و افزایش ضریب «امنیت اجتماعی» تعریف و تعبیر گشت. سرانجام، توسعه اجتماعی بر اساس منطق علمی شاخص‌سازی، به ابعاد پنج‌گانه و همچنین خرده‌ابعاد مرتبط با آن تقسیم‌بندی شد. واژگان کلیدی: توسعه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و اخلاق توسعه اجتماعی.

مقدمه

مؤلفه توسعه اجتماعی به عنوان امری معطوف به بهبود وضعیت اجتماعی زندگی انسان، به‌رغم آنکه در پنج دهه گذشته مورد توجه جدی صاحب‌نظران و اندیشمندان جهان قرار گرفته اما هنوز از جایگاه بایسته‌ای در نظام برنامه‌ریزی و توسعه کشور برخوردار نبوده یا حداکثر به عنوان مقوله‌ای در حاشیه مباحث توسعه، به ویژه توسعه اقتصادی یا صنعتی مورد توجه قرار نگرفته است. از سوی دیگر مفهوم توسعه اجتماعی در گفتمان علوم اجتماعی ایرانی، به لحاظ

۱. استاد و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران (tazad@ut.ac.ir)

۲. عضو هیئت علمی جهاد دانشگاه واحد استان مرکزی

۳. عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی

مفهومی و نظری از وضوح و روشنایی چندانی برخوردار نیست. همانطور که آندره گوندر فرانک^۱ (۱۳۵۹) در کتابش به انتقاد از جامعه‌شناسی کشورهای توسعه‌نیافته پرداخته و در آن انتقاد بر این نظر پافشاری می‌کند که «این جامعه‌شناسی جدید و الگوهای توسعه‌ای آن از نظر تجربی در رویارویی با واقعیت فاقد ارزش و نیز از لحاظ نظری، بنا بر معیارهای کلاسیک نارساست، همچنین سیاست‌هایی که این جامعه‌شناسی تجویز می‌کند در پیشبرد مقاصد فرضی آن، یعنی، توسعه کشورهای توسعه‌نیافته مؤثر نیست (فرانک، ۱۳۵۹: ۱۲)»، می‌توان این ادعا را در بحث توسعه اجتماعی در ایران، هم در مطالعات نظری و هم در ابعاد مفهومی و تجربی، وارد دانست؛ چرا که اگر مفهومی واحد و یا واجد جنبه‌های مفهومی مشترک بر پایه بنیان‌های نظری مورد اجماع و معتبر از این واژه استنباط می‌شد، دست‌کم آثار عینی آن را در عرصه جامعه مشاهده می‌کردیم. با بررسی منابع و آثار علمی و پژوهشی داخلی در این زمینه که به شکلی می‌توان غالب آنها را فرموله‌نشده، ناقص یا به شکلی توجیه‌کننده اطلاعات موجود، با نتایجی با روایی و اعتبار نامشخص دانست، پژوهشگر و خواننده را با این مسئله روبرو می‌سازد که گویی توسعه اجتماعی مابه‌ازای خارجی ندارد تا بتوان مصداقی عینی و واقعی از این مفهوم را در جامعه سراغ گرفت. بخشی از این نارسایی، برخاسته از پیچیدگی این مفهوم و وزن بالای قضاوت‌های ارزشی در این بعد از توسعه است که موجب شده تا توسعه اجتماعی، الگوهای آن و همچنین اولویتها در این بعد از توسعه پایدار، غامض و فهم‌ناپذیری متقابل (در میان صاحب‌نظران) و در بسیاری از مواقع مخدوش جلوه کند؛ به‌طوری‌که حتی در سطح عملی، رصد میزان تحولات در روند توسعه اجتماعی کشور، به دلیل خلأ نشانگرهای عملیاتی معتبر و مورد اجماع جامعه علمی، کاری غیرممکن شده است، چرا که گذشته از چالش‌های مفهومی و نظری، مناقشه بر سر دلایل انتخاب ابعاد گوناگون مفهوم توسعه اجتماعی وجود دارد. باید گفت که در بسیاری از مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته، برای سنجش توسعه اجتماعی، بدون در نظر گرفتن میزان اعتبار علمی و اجماع بر سر معرف‌ها یا متغیرهای در نظر گرفته‌شده آن، از معرف‌های پراکنده و فاقد انسجام درونی و بیرونی، همچون میزان شهرنشینی، سطح اشتغال زنان از کل اشتغال، میزان با سواد، شمار دانش‌آموختگان در مراکز آموزش عالی نسبت به کل جمعیت، سرمایه اجتماعی، دسترسی به منابع و امکانات بهداشتی و درمانی، محیط زیست، حمایت‌های اجتماعی و بیمه‌ها، جرایم و امنیت عمومی، توزیع درآمد و رفاه

۱. Andre Gunder Frank

اقتصادی، برابری در برابر قانون، رعایت عملی حقوق اقلیت‌ها، میزان توسعه تشکلهای اجتماعی و ... ، به عنوان شاخص‌های سنجش توسعه اجتماعی استفاده شده است (کلانتری، ۱۳۸۴؛ لشکری، ۱۳۷۷؛ نظری، ۱۳۷۷؛ بخارایی، ۱۳۸۰؛ شمعدانی‌حق، ۱۳۸۱؛ ریاحی، ۱۳۸۰؛ اکبری، ۱۳۸۰؛ اسماعیلی، ۱۳۸۵؛ شرکت پردازش و اطلاعات نقش کلیک، ۱۳۸۱). این در حالی است که مفاهیم و معرف‌های این‌چنینی، تنها با برقراری ارتباط منطقی و استدلال نظری مشخص، می‌توانند بازنمای معتبری برای شاخص‌های تشکیل‌دهنده توسعه اجتماعی باشند، نه اینکه خود بدون هیچ نظم منطقی و معتبری، به عنوان ابعاد یا معرف‌های شاخص توسعه اجتماعی در نظر گرفته شوند.

امروزه برای برآورد ضریب توسعه اجتماعی در سطح دنیا، از مؤلفه‌های بی‌شماری براساس نیازها و شرایط بافتارهای (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...) مناطق که هم جنبه سخت‌افزاری و هم نرم‌افزاری دارد، استفاده می‌شود. تجربه سه‌دهه برنامه‌ریزی در کشور و نتایج نه‌چندان چشمگیر در حوزه توسعه اجتماعی، ضرورت تجدید نظر در راهبردها، اهداف، برنامه‌ها و روش‌های دستیابی به آن را دوچندان کرده است. پس نبود شاخص‌ها و استانداردهای لازم برای شناخت توسعه اجتماعی در سری‌های زمانی و همچنین ارزیابی برنامه‌ها و عملکردهای نهادها و ارگان‌های متولی، از مسائل و چالش‌های پیش‌روی حوزه توسعه اجتماعی در سطح کشور و منطقه است؛ چراکه شاخص‌های معتبر، امکان قضاوت و سنجش عملکرد نظام برنامه‌ریزی را میسر می‌کند. اهمیت دادن به شاخص‌های اجتماعی پیامدهای مثبت و نتایج سودمندی را با خود به همراه دارد از آن جمله فعالیت‌های علمی و- عملیاتی را در نظام برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی مفید می‌سازد. برای مثال: شاخص‌های اجتماعی، اطلاعاتی درباره موضوعات مورد علاقه افراد ذی‌نفع و عموم علاقمندان قرار می‌دهد و بدین وسیله روحیه بحث و تجزیه و تحلیل را برمی‌انگیزد.

وجود شاخص‌های اجتماعی در سطوح مختلف، زمینه مساعد جهت بررسی‌های ثمربخش درباره رابطه بین نظام‌های اجتماعیاقتصادی و الگوهای رشد اقتصادی و اجتماعی را به‌صورت تطبیقی فراهم می‌سازد. وجود داده‌های مربوط به شاخص‌های توسعه اجتماعی در طول زمان‌های مختلف و تدوین سری‌های زمانی، نظارت بر پیشرفت‌های اجتماعی و تحلیل توزیع منافع توسعه را امکان‌پذیر می‌سازد. وجود شاخص‌های اجتماعی مناسب و بررسی آثار اجتماعی طرح‌ها، در جمع‌بندی طرح‌ها و سیاست‌های توسعه و تجدیدنظر در آنها بسیار مؤثر است.

داشتن اطلاعات درخصوص شاخص‌های اجتماعی نقاط قوت و ضعف را مشخص و خاطرنشان می‌کند که در ارضای نیازهای اساسی به طور محسوسی ضعف وجود دارد و در آنها اعلام خطر کند و متولیان مربوطه را از خطرات بالقوه آن آگاه سازد.

دستیابی به هدف اصلی این جستار (شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی) پاسخگویی به پرسشهای زیر را الزامی می‌سازد: ماهیت و تعریف توسعه اجتماعی در مکاتب و رهیافت‌های مختلف گفتمان علوم اجتماعی چیست؟ بر اساس شرایط بافتاری کشور چه تعریفی می‌توان برای شناسایی همه‌جانبه توسعه اجتماعی برگزید یا تدوین کرد؟ توسعه اجتماعی از چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی یا به عبارت علمی‌تر از چه ابعاد و خرده‌ابعادی تشکیل شده است؟ و سرانجام در جهت ارزیابی وضعیت یا ضریب توسعه‌یافتگی اجتماعی، کدامیک از این ابعاد، خرده‌ابعاد و معرف‌های عملیاتی از اعتبار و معناداری بیشتری برخوردارند:

ادبیات نظری و تجربی

توسعه اجتماعی در منابع موجود با تعاریف و تعبیر متفاوتی به‌کار رفته است که معرف رویکردهایی متفاوت همچون رهیافتهای عام و خاص و همچنین تقسیم‌بندی ایدئولوژیک توسعه اجتماعی براساس دیدگاههای رفاه‌گرا و مارکسیستی است. برای مثال؛ نظریه‌پردازان رفاه‌گرا، به اصل کلی توسعه اجتماعی در حرکت به سوی کیفیت بیشتر زندگی، اعتقادی راسخ دارند. از جمله وارنر^۱ (۱۹۵۸) معتقد است که توسعه اجتماعی عبارت است از امکانات رفاهی برای زندگی بهتر مردم جامعه. ماکس وبر^۲ ضمن تبیین ارتباط میان توسعه اجتماعی با شانس زندگی، بر این نظر پافشاری می‌کند که شانس زندگی عبارت است از امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب‌تر و تجربیات زندگی شخصی بهتر. از سوی دیگر میلز و گرت^۳، گستره زیادی برای مفهوم شانس زندگی قائل شده‌اند که شامل هرچیزی است که امکانات زندگی از یک‌سالگی تا شانس دیدن هنرهای زیبا، تندرستی، رشد و... را فراهم می‌کند. همچنین از نظر سازمانهای بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد با استناد به گزارش‌های توسعه انسانی - اجتماعی، هدف نهایی توسعه، ارائه فرصت‌های مناسب به مردم برای زندگی بهتر از طریق دسترسی به تسهیلات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، تغذیه، مسکن، اشتغال و مانند آن است

۱. Warner

۲. Weber

۳- Mills, Gareth

(شمعدانی حق، ۱۳۸۰: ۲۵۱). در مقابل این نظر، دیدگاه‌های مارکسیستی بر ارزش‌های مبتنی بر مساوات اجتماعی در بحث توسعه اجتماعی تأکید کرده‌اند. دونگ کیم^۲، توسعه اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که به اکثریت مردم محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی را می‌دهد بلکه در جهت رسیدن به آن هدف، آنها را یاری می‌کند. از نظر او اگر تغییر ساختاری جامعه در مسیری باشد که فرصت‌های لازم را برای دستیابی توده محروم به سهم خود از منابع ملی در اختیار آنها قرار دهد، این مسیر، در اصل همان فرایند توسعه است. درواقع، فرایند توسعه اجتماعی از دیدگاه این رهیافت، فرایندی است عاری از استثمار و استثمار خارجی در جامعه. (نظری، ۱۳۷۷: ۱۳۲)

از سوی دیگر می‌توان به تقسیم‌بندی‌های دیگری نسبت به توسعه اجتماعی در قالب رویکرد عام‌گرا و خاص‌گرا اشاره کرد. در رهیافت عام‌گرا، توسعه اجتماعی مترادف با چیزی مشابه با توسعه ملی یا توسعه همه‌جانبه و متوازن است. در اینجا توسعه اجتماعی از توسعه غیراجتماعی یا فنی متمایز شده است ولی با دیگر انواع توسعه به‌ویژه توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تداخل یافته است. به عبارت دیگر نظریه‌های عام‌گرای توسعه اجتماعی، در بطن خویش توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در بر گرفته است و به بازبینی اهداف، برنامه‌ها و راهبردهای تحقق اهداف اجتماعی می‌پردازد. توسعه اجتماعی با هدف بازبینی و تغییرات ساختاری و با افزایش قابلیت‌ها و ظرفیتهای جوامع، تأکید خاصی بر تأمین نیازهای اجتماعات انسانی اعم از نیازهای اقتصادی، اجتماعی، بوم‌شناختی، فرهنگی، سیاسی و انسانی دارد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۲۳). اما در رویکرد خاص‌گرا، مفهوم توسعه اجتماعی به معنای اخص کلمه و متمایز از توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به‌کار رفته است؛ ولی هنوز شاخص‌ها، ابعاد و معرف‌های آن به طور دقیق مشخص نشده‌اند (عبداللهی، ۱۳۸۰: ۲۱۵).

باید گفت که در فرایند مرور منابع هرچه از گذشته به حال نزدیک‌تر می‌شویم، همزمان با فرایند تقسیم کار، تفاوت‌پذیری امور و تخصصی شدن علوم و گرایش به تدقیق مفاهیم، به‌کارگیری آنها در معانی اخص خود، بیشتر شده است. به‌طوری‌که امروزه برحسب حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی، حداقل با چهار نوع توسعه در اجتماع (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی) سروکار داریم که هرچند در فرایند توسعه ملی در هر جامعه‌ای با یکدیگر دارای تعامل، نفوذ و ارتباط متقابل هستند ولی از هویت، استقلال نسبی و ویژگی‌های خاص خود

۲. Dong Kim

برخوردارند. بر این اساس حوزه توسعه اجتماعی که حوزه انسجام و یگانگی است به‌رغم داشتن ارتباط متقابل و تعامل با سایر حوزه‌ها، از هویت و استقلال نسبی برخوردار است و به منزله یک واقعیت اجتماعی قابل مطالعه است (Alexander, ۱۹۹۷: ۹۷).

پس مفهوم توسعه اجتماعی به معنی اخص کلمه ناظر بر اجتماع جامعه‌ای^۱ درمقام یکی از حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی انسان در هر جامعه و به معنی بسط، تعریض و تحکیم همین اجتماع جامعه‌ای است. توسعه اجتماعی با این مضمون مکمل توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. امروزه توسعه همه‌جانبه و متوازن در یک جامعه ناظر بر فرایندی در نظر گرفته می‌شود که این چهار بعد حیات اجتماعی همزمان و در ارتباط متقابل با هم باشند (عبداللهی، ۱۳۸۰: ۲۱۷). البته می‌توان به شکل تخصصی‌تر از تقسیم‌بندی‌هایی که در رهیافت‌ها و مکاتب مختلف علوم اجتماعی در رابطه با مفهوم توسعه اجتماعی نظیر رهیافت وبری از توسعه اجتماعی (رابرت بلا، ۱۹۶۳؛ کیلفورد گیرتز، ۱۹۵۶)، رهیافت ساختی کارکردی از توسعه اجتماعی (تالکوت پارسونز: ۱۹۷۱)، نیل اسملسر، ایزنشتاد، برینگتون مور)، رهیافت روانشناختی اجتماعی از توسعه اجتماعی (دانیل لرنر، اینکلس و اسمیت، مک‌کله‌لند، راجرز، ۱۹۶۹، و هیگن) و نظرات فرانکفورتی‌ها از توسعه اجتماعی (تئودور آدورنو، ماکس هورکهایمر، هربرت مارکوزه، و یورگن هابرماس (۱۹۷۹) بحث کرد. اما آنچه که در این مطالعه مهم و قابل بررسی است، تحقیقات تجربی، طبقه‌بندی‌های مفهومی برآمده از دستگاه‌های نظری و روش‌های عملیاتی صاحب‌نظران و اندیشمندان مختلف در تبیین و تفسیر توسعه اجتماعی است که نقطه عطفی در شکل‌گیری شاخص‌های توسعه اجتماعی در سطوح بین‌المللی بوده است.

می‌توان گفت اولین سند مهم سازمان ملل متحد درخصوص توسعه اجتماعی مربوط به گزارش سال ۱۹۵۴ گروهی از کارشناسان درخصوص «تعریف بین‌المللی و سنجش معیارها و سطوح توسعه اجتماعی» (که در آن زمان سطوح زندگی نامگذاری شده بود) است. این شاخص‌ها عبارتند از: (۱) بهداشت، شامل شرایط جمعیت‌شناختی، (۲) غذا و تغذیه، (۳) آموزش و پرورش شامل مواد و مهارت‌آموزی، (۴) شرایط کار، (۵) وضعیت اشتغال، (۶) مصرف کل پس اندازها، (۷) حمل و نقل، (۸) مسکن شامل تسهیلات خانگی، (۹) پوشاک، (۱۰) تفریح و استراحت، (۱۱) امنیت اجتماعی، (۱۲) آزادی‌های بشری (زاهدی، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

۱. Social community

پیرو اولین سند و گزارش فوق، سازمان ملل با شناخت از این موضوع که شاخص‌های سنجش پیشرفت هریک از این اجزا در اصل متعددند و در بیشتر کشورها داده‌های اطلاعاتی لازم برای بسیاری از آنها موجود نیست، صورتی از شاخصهای دارای اولویت را پیشنهاد کرد که عبارتند از: (۱) امید به زندگی در هنگام تولد، (۲) نرخ مرگ‌ومیر نوزادان، (۳) میانگین ملی تأمین مواد غذایی برحسب کالری‌های مورد نیاز سطح جزیی^۱ در مقایسه با مقدار برآورده شده کالری‌های مورد نیاز، (۴) نسبت کودکان ۵ تا ۱۴ ساله که در مدارس ثبت نام کرده‌اند، (۵) نسبت درصد جمعیت با سواد بالاتر از یک سن خاص، کل این جمعیت و توزیع آن از لحاظ جنسیتی، (۶) نسبت جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی یا به عبارت دیگر درصد بیکاری، (۷) نسبت درصد توزیع جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی براساس طبقه‌بندی‌های اصلی صنعتی و شغلی، (۸) مصرف فردی به صورت نسبتی از درآمد ملی و شاخص تغییرات ناشی از آن (گای و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۷). برای پرکردن خلأهای موجود درخصوص شناسایی دقیق‌تر وضعیت توسعه اجتماعی، در جامعه‌شناسی نیز روشهای کلاسیک سنجش توسعه و نابرابری در جوامع، طراحی و تدوین شد. باید اذعان کرد که بر مبنای این روشها اگرچه تاحدودی به تمایزات موجود میان واحدهای مطالعاتی پی برده شد اما تصویری دقیق از میزان توسعه‌یافتگی اجتماعی و عدالت اجتماعی به دست نیامد. لازم به ذکر است که این شاخص‌ها نه به صورت مستقل بلکه به شکل فرایندی عام‌گرایانه، ضمنی و با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مرتبط با کیفیت زندگی، برای مثال شاخص‌های بهزیستی انسان یا سطح زندگی و نظایر این‌ها لحاظ شده بودند (زاهدی، ۱۳۸۶: ۲۵۸). در ذیل به برخی شاخص‌های طراحی شده به منظور اندازه‌گیری و سنجش شاخص‌های اجتماعی در سطح جهانی اشاره می‌شود:

شاخص سطح زندگی سازمان ملل متحد، ۱۹۵۴

(۱) بهداشت، مشتمل بر سلامت جمعیت‌شناختی، غذا و تغذیه، (۲) آموزش و پرورش، مشتمل بر سواد و مهارت شرایط کار، (۳) موقعیت استخدامی، (۴) مجموعه مصرف و پس انداز، (۵) آمد و شد، (۶) مسکن مشتمل بر تسهیلات منزل، (۷) پوشاک، (۸) تفریح و سرگرمی، (۹) تأمین اجتماعی، (۱۰) آزادی انسان.

^۱. Retial level

شاخص معیار زندگی در یونفسکی ۱۹۷۴

(۱) تغذیه، (۲) پوشاک، (۳) سرپناه، (۴) سلامت، (۵) آموزش و پرورش، (۶) اوقات فراغت، (۷) امنیت، (۸) محیط اجتماعی، (۹) محیط فیزیکی.

ضابطه‌های بهزیستی اجتماعی در ایالات متحده امریکا (۱۹۷۳): (۱) درآمد، ثروت و اشتغال، (۲) محیط زندگی، (۳) بهداشت، (۴) آموزش و پرورش، (۵) نظم اجتماعی و تعلق اجتماعی، (۶) تفریح و اوقات فراغت.

حوزه‌های مراقبت اجتماعی (OECD, ۱۹۷۶)

(۱) بهداشت، (۲) توسعه فردی از طریق فراگیری، آگاهی‌ها و مهارت‌های نوین، (۳) اشتغال و کیفیت زندگی کاری، (۴) اوقات فراغت و نحوه گذران آن، (۵) موقعیت اقتصادی شخصی، (۶) محیط فیزیکی، (۷) محیط اجتماعی، (۸) ایمنی شخصی و عدالت، (۹) فرصت‌های اجتماعی و میزان مشارکت، (۱۰) قابلیت دسترسی (Smith, ۱۹۷۹: ۲۳).

به‌طور مشخص انتشار سلسله‌گزارش‌های سالانه «توسعه انسانی» از سوی برنامه عمران سازمان ملل متحد (پاپت) در سال ۱۹۹۰، موجب ارتقای رویکردهای عمومی به سنجش توسعه‌یافتگی و یا نابرابری‌ها شد. لذا، دسته‌ای از شاخص‌ها را برای سنجش توسعه انسانی - اجتماعی ارائه کردند. برای مثال، آندروز، ویتی، درونوسکی، گولت، مازلو و مایلز از جمله محققانی بودند که به انجام این امر صحنه گذاشتند. به‌طور کلی می‌توان شاخص‌های پیشنهادی آنها را در چهار دسته زیر طبقه‌بندی کرد: نخستین دسته به شرایط زندگی (بهداشت، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب و تسهیلات بهداشتی و امثالهم) اشاره دارد. دسته دوم به جنبه اطلاعاتی و فرهنگی (سوادآموزی، آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها، موسیقی، تئاتر و هنرهای زیبا) می‌پردازد. سومین دسته مربوط به مسائل اجتماعی است (حقوق بشر، وضعیت زنان، مشارکت، برابری، امنیت فردی، کودکان کار، استعمال مواد مخدر، فساد و وضعیت محیط‌زیست) و سرانجام دسته چهارم عبارت است از شاخص‌های مربوط به ذهن و جان آدمی همچون خوشبختی، احساس امنیت، رضایتمندی، آرامش، امید به زندگی و امثالهم (اکبری، ۱۳۸۰: ۳۴). از سوی دیگر و به‌طور مشخص در حوزه شاخص توسعه اجتماعی «مطالعه‌ایی در باب شاخص توسعه اجتماعی» در گزارش توسعه اجتماعی سال ۲۰۰۶ سازمان ملل متحد با در نظر گرفتن شش بعد اصلی توسعه اجتماعی صورت پذیرفته است که تلاشی در جهت ایجاد یک شاخص توسعه اجتماعی مرکب است. در این مطالعه، شاخص‌های

دموگرافیک^۱، شاخص‌های مربوط به سلامت^۲، دسترسی به امکانات آموزشی^۳، سازگاری‌های زیربنایی^۴، محرومیت اقتصادی و اجتماعی^۵ مد نظر قرار گرفته‌اند. این شاخص‌ها در دو نقطه زمانی میان سالهای ۱۹۹۱ و ۲۰۰۱ و به صورت جداگانه برای هر کشور در نظر گرفته شده است (۲۰۰۹، سرحدز دحسأ ذچخ رت ثرخ ذخ ر س ر ا). همچنین در گزارش توسعه اجتماعی سال ۲۰۰۸ علاوه بر شاخص توسعه اجتماعی در سطح کشوری، این شاخص در دو جهت خاص (دستیابی به تفاوت‌های کلی در توسعه گروه‌های اجتماعی مختلف و نیز تخصیص تفاوت جنسیتی در توسعه اجتماعی) مورد استفاده قرار گرفت. توصیف ساده شاخص‌ها و منابع داده‌ای که در محاسبه شاخص توسعه اجتماعی که در مطالعه فوق مورد استفاده قرار گرفته است به شکل جدول ۱ است.

در بررسی پژوهش‌ها و مطالعات داخلی در حوزه توسعه اجتماعی، به‌رغم خلأها و کاستی‌ها، رضا اسماعیلی (۱۳۸۵) با استفاده از روش پیمایشی پژوهشی با عنوان «بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان» با هدف سنجش درجه توسعه‌یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان اصفهان انجام داده در این پژوهش شاخص توسعه اجتماعی صرفاً در ابعادی نظیر رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفت. وحید ریاحی (۱۳۸۰) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «وضعیت فعلی شاخص‌های اجتماعی در روستاهای ایران» تلاش کرده است که براساس مبانی نظری و عملیاتی در حوزه کشورهای در حال رشد و توسعه (تجربه هندوستان در برنامه پنجم توسعه آن کشور و همچنین چارچوب نظری استفانیه) و همچنین با توجه به دوره‌های سرشماری نفوس و مسکن از دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، شاخص‌هایی را گزینش کند که هم آمارهای آن در سرشماری‌ها وجود داشته و هم در سطح روستایی کل کشور قابل مطالعه باشد. این مطالعه به روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است. در این مطالعه به شاخص‌های جمعیتی، شاخص‌های آموزشی و شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی توجه شده است.

-
- ۱. demographic parameters
 - ۲. health indicators
 - ۳. educational attainment
 - ۴. basic amenities
 - ۵. deprivation economic and social

جدول ۱. شاخص‌های مورد استفاده برای محاسبه توسعه اجتماعی

شاخص‌ها	منابع
۱ - شاخص‌های دموگرافیک نرخ غلبه CPR نرخ کلی باروری نرخ بقای نوزادان	۱. NFHS-III (۲۰۰۵-۰۶) State-wise Fact Sheets ۲. NFHS-III (۲۰۰۵-۰۶) State-wise Fact Sheets NFHS-III (۲۰۰۵-۰۶) State-wise Fact Sheets and Sample Registration System (SRS; October ۲۰۰۶) for all smaller States.
۲ - شاخص‌های سلامت درصد مولید رسمی درصد سوء تغذیه کودکان	NFHS-III (۲۰۰۵-۰۶) State-wise Fact Sheets NFHS-III (۲۰۰۵-۰۶) State-wise Fact Sheets
۳ - شاخص سازگاری مبنایی کودکانی که در پوکهاوس زندگی می‌کنند درصد خانوارهایی که به آب قابل شرب دسترسی دارند درصد خانوارهایی که از امکانات بهداشتی برخوردارند درصد خانوارهایی که به برق دسترسی دارند	۱. NFHS-III (۲۰۰۵-۰۶) State-wise Fact Sheets ۲. NFHS-III (۲۰۰۵-۰۶) State-wise Fact Sheets ۳. NFHS-III (۲۰۰۵-۰۶) State-wise Fact Sheets ۴. NFHS-III (۲۰۰۵-۰۶) State-wise Fact Sheets
۴ - شاخص‌های دست‌یافته‌های آموزشی میزان تحصیلات نسبت معلم به شاگرد میزان توجه به مدرسه (آموزش)	۱. National Sample Survey (NSS) ۶۱st Round, Report No. ۵۱۶. (۲۰۰۵-۰۶) ۲. ۷th All India Education Survey (۲۰۰۲) ۳. National Sample Survey (NSS) ۶۱st Round, Report No. ۵۱۶. (۲۰۰۵-۰۶)
۵ - شاخص محرومیت اقتصادی نرخ بیکاری نسبت جینی بر هر خرجکرد مصرفی سرمایه‌ای	۱. NSSO and National Sample Survey (NSS) ۶۱st Round, Report No. ۵۱۵ ۲. Sachar Committee Report, ۲۰۰۶
۶ - شاخص محرومیت اجتماعی - اختلاف سطح میان تحصیلات جمعیت کاسته برنامه‌ریزی‌شده و متوسط تحصیلات مردم - اختلاف سطح تحصیلات جمعیت قبیله‌ای و تحصیلات متوسط مردم - اختلاف میان خرجکرد مصرفی سرمایه‌ای ماهیانه مسلمانان نسبت به کل جمعیت - اختلاف سطح تحصیلات جمعیت زنان و متوسط تحصیلات کل جمعیت - اختلاف سطح نرخ بیکاری زنان نسبت به نرخ کلی بیکاری - نسبت جنسیتی کودکان	۱. NSS ۶۱st Round, Report No. ۵۱۶, Sachar Committee Report ۲۰۰۶ and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, ۲۰۰۶ ۲. NSS ۶۱st Round, Report No. ۵۱۶, Sachar Committee Report ۲۰۰۶ and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, ۲۰۰۶ ۳. NSS ۶۱st Round, Report No. ۵۱۶, Sachar Committee Report ۲۰۰۶ and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, ۲۰۰۶ ۴. NSS ۶۱st Round, Report No. ۵۱۶, Sachar Committee Report ۲۰۰۶ and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, ۲۰۰۶ ۵. NSS ۶۱st Round, Report No. ۵۱۶, Sachar Committee Report ۲۰۰۶ and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, ۲۰۰۶ ۶. NSS ۶۱st Round, Report No. ۵۱۶, Sachar Committee Report ۲۰۰۶ and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, ۲۰۰۶

محمد لشکری (۱۳۷۸، ۱۳۷۷) در دو مطالعه مشابه و همسان به شناسایی شاخص‌های

رفاه اجتماعی و شاخص‌های توسعه اجتماعی پرداخته است. این محقق عمده‌ترین

شاخص‌های کمی توسعه اجتماعی را به: (۱) سطح زندگی، (۲) سطح بهره‌وری، (۳) نرخ رشد جمعیت، (۴) نرخ بار تکفل، (۵) امید به زندگی در بدو تولد، (۶) نرخ باسوادی، (۷) نرخ مرگ‌و-میر کودکان، (۸) توزیع درآمد، (۹) مشارکت در فعالیتهای اجتماعی، (۱۰) نرخ پوشش انواع بیمه، (۱۱) منابع اجتماعی تولید کالا یا خدمات، (۱۲) نوآوری و خلاقیت تقسیم‌بندی کرده است. همچنین وی در تقسیم‌بندی شاخصهای کیفی توسعه اجتماعی به شاخص‌هایی نظیر: (۱) آزادی انتخاب در جامعه، (۲) آرمانهای نوین‌سازی، (۳) خواست سیاسی، (۴) عزت‌نفس جامعه، (۵) ثبات و امنیت اشاره کرده است. سرانجام عمده‌ترین شاخصهای منفی توسعه اجتماعی را در مطالعه لشکری: (۱) تورم، (۲) سوء تغذیه، (۳) هزینه‌های اجتماعی تولید کالا یا خدمات، (۴) وجود انواع دوگانگی و (۵) نرخ بالای معلولیت ذکر کرده است. همچنین غضنفر اکبری (۱۳۸۰) در مطالعه-ای با عنوان «وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی» براساس چارچوب و شاخص ارزیابی‌ای که درام گای (۱۳۷۷) درخصوص شاخص‌های اجتماعی ملل متحد ارائه کرد، با استفاده از روش آنالیز تاکسونومی (تحلیل عددی) یا روش طبقه‌بندی گروه-های همگن، به مطالعه وضعیت توسعه اجتماعی در بین استانهای کشور پرداخته است. بر این اساس شاخص‌های توسعه اجتماعی عبارتند از: (۱) امید به زندگی در هنگام تولد، (۲) نرخ مرگ‌ومیر نوزادان، (۳) میانگین ملی تأمین مواد غذایی برحسب کالری مورد نیاز سطح جزیی در مقایسه با مقدار برآورده شده کالری‌های مورد نیاز، (۴) نسبت کودکان ۵ تا ۱۴ ساله که در مدارس نام‌نویسی کرده‌اند، (۵) نسبت جمعیت با سواد بالاتر از یک سن خاص، کل این جمعیت و توزیع آن از لحاظ جنسیت، (۶) نسبت جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی ولی بدون شکل (درصد بیکاری)، (۷) نسبت درصد توزیع جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی بر اساس طبقه-بندی‌های اصلی صنعتی و شغلی، (۸) مصرف فردی به صورت نسبتی از درآمد ملی و شاخص ناشی از تغییرات آن (اکبری، ۱۳۸۰: ۲۹).

روش‌شناسی مطالعه

روش‌شناسی این مطالعه ماهیتاً توصیفی و کیفی است که در مرحله اول به شکل اسنادی و کتابخانه‌ای به گردآوری شاخص‌ها، ابعاد و معرف‌های در نظر گرفته شده توسعه اجتماعی در سطوح بین‌المللی و ملی پرداخته است؛ به این شکل که پس از واکاوی و شناسایی شاخص‌ها و ابعاد مذکور در اجلاس‌ها و مجامع رسمی بین‌المللی، گزارش‌ها، کتب، تحقیقات و مقالات مرتبط خارجی، داخلی و همچنین در قوانین و برنامه‌های توسعه‌ای کشور، اقدام به گردآوری و

تشکیل بانک اطلاعات توسعه اجتماعی (معرف‌ها و متغیرها) کرده است. در مرحله بعد با علم بر این موضوع که در دستیابی به هدف اصلی این مطالعه، کسب اطلاعات دقیق و طراحی مدل‌های ریاضی و آماری معتبر با محدودیت‌های جدی مواجه خواهد بود، از روش دلفی (محاسبه سه شاخص اجماع، اهمیت و اولویت) استفاده شده است. می‌توان مهم‌ترین دلیل این انتخاب را در به وجود آوردن اجماع و توافق بین صاحب‌نظران و متولیان اجتماعی در طراحی شاخص کاربردی توسعه اجتماعی با اعتبار بالا دانست. به طور کلی فرایند اجرای روش دلفی در این مطالعه به شرح زیر است:

۱) شرکت‌کنندگان در این مطالعه انتخاب و از آنان خواسته شد در پاسخ به مجموعه‌ای از سؤالات پرسشنامه بسته که برآمده از مرحله اول مطالعه (مطالعات کتابخانه‌ای) بوده است، افکار، پیشنهادها و نظرات بی‌نام و نشان خود را عرضه دارند تا از خلال این بخش به اجماع و توافق نظر در باب ابعاد مختلف توسعه اجتماعی نائل آیند.

۲) پس از تحلیل اولیه پاسخنامه‌ها، هر پاسخگو بازخورد دوره اول (مانند میانه) جواب‌های همه پاسخگویان را دریافت و دور دوم پاسخگویی برای مشخص ساختن شدت سازگاری یا ناسازگاری با میانگین پاسخ‌های گروه، همچنین جهت دستیابی به میزان اجماع و اهمیت ابعاد و خرده‌ابعاد شاخص توسعه اجتماعی انجام شد.

۳) همچون مرحله قبل، بار دیگر بازخورد نتایج به شرکت‌کنندگان برحسب میانه پاسخ گروه و همچنین برای مشخص ساختن میزان اهمیت و همچنین اولویت‌بندی شاخص‌ها، ارسال و بازتحلیل شد. لازم به ذکر است که پاسخگویان این بخش از مطالعه که شامل ۳۰ نفر از صاحب‌نظران آکادمیک و همچنین متولیان و کارشناسان اجرایی توسعه اجتماعی که طبق نظر هارتموت اسر^۱ از توان اجتماعی^۲ و وابستگی قشری تقریباً مشابه برخوردار بودند، به روش غیرتصادفی و هدفمند انتخاب شدند. سرانجام براساس نتایج این پرسشنامه‌ها و براساس فرایند منطقی شاخص‌سازی به طراحی و تدوین شاخص توسعه اجتماعی پرداخته شد.

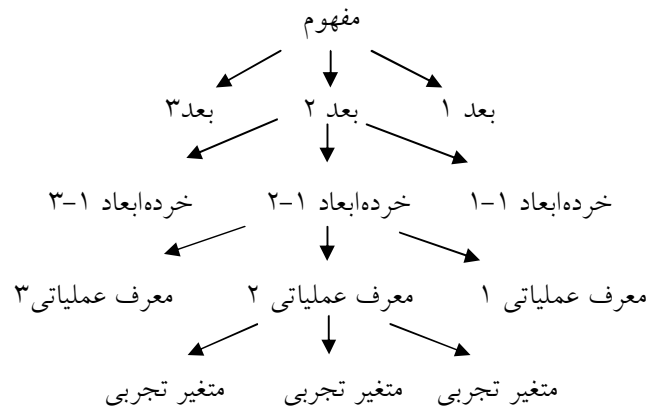
یافته‌های تحقیق: فرایند شاخص‌سازی توسعه اجتماعی

در باب شاخص‌سازی می‌توان گفت بعضی مفاهیم، ابعاد تئوریک و خرده‌ابعاد مختلفی دارند؛ همچنین خرده‌ابعاد، قابل تقسیم شدن به معرف‌های عملیاتی و سرانجام متغیرهای تجربی

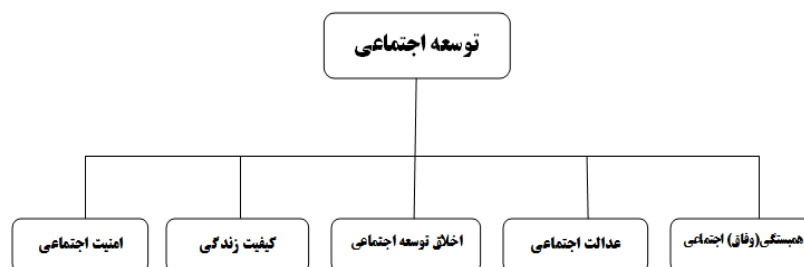
۱. H. Esser

۲. Sociability

هستند. شاخص اصلی این نوع مفاهیم مبتنی بر ترکیب ابعاد کلان فوق است (ساعی، ۱۳۸۶: ۷۹). به این عمل، فرایند شاخص‌سازی گویند. به طور کلی مدل در نظر گرفته‌شده تحقیق برای شاخص‌سازی توسعه اجتماعی تا سطح سوم، بر اساس فرایند مدل زیر صورت گرفته است:



براساس ادبیات نظری و تجربی، جایگاه توسعه اجتماعی در قوانین و برنامه‌های توسعه اجتماعی در سطوح ملی و فراملی و نهایتاً با استناد به نتایج به‌دست‌آمده از محاسبات صورت گرفته از شاخص‌های این مطالعه در باب سنجش و فرموله کردن این مفهوم با ابعاد و خرده-ابعاد آن، این تعریف از توسعه اجتماعی ارائه شد:



توسعه اجتماعی بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی از طریق نهادینه کردن اخلاق توسعه، به خصوص «اخلاق توسعه اجتماعی»، برای حصول به «همبستگی (وفاق) اجتماعی» و افزایش «کیفیت زندگی» در جهت برقراری «عدالت اجتماعی» و ارتقا ضریب «امنیت اجتماعی» است. براساس این تعریف، شاخص توسعه اجتماعی در قالب ابعاد پنجگانه: همبستگی (وفاق) اجتماعی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و اخلاق توسعه اجتماعی به اجماع

و توافق نخبگان (صاحبنظران و متولیان اجرایی توسعه اجتماعی) تقسیم‌بندی شد. این مطالعه در جهت تحلیل و دستیابی به شاخص توسعه اجتماعی معتبر در سه سطح (ابعاد، خرده‌ابعاد و معرف‌های عملیاتی)، با استفاده از فرایند چندمرحله‌ای تکنیک دلفی، به محاسبه سه شاخص (اجماع، اهمیت و اولویت) پرداخته است.

نحوه محاسبه شاخص اجماع

این شاخص مؤید آن موضوع است که خبرگان و صاحبنظران این مطالعه تا چه حد نسبت به خرده‌ابعاد و معرف‌های توسعه اجتماعی، اجماع نظر و توافق دارند. لازم به ذکر است که ابعاد پنجگانه توسعه اجتماعی براساس نظرات و پیشنهادات پاسخگویان انتخاب شده است. اما برای به اجماع رسیدن در باب خرده‌ابعاد و معرف‌های این فرایند، پنج گزینه به شکل زیر طراحی شد: الف) با این خرده‌بعد کاملاً موافقم، ب) با این خرده‌بعد تا حدی موافقم، ج) با این خرده‌بعد تا حدی مخالفم، د) با این خرده‌بعد کاملاً مخالفم، ه) نظر بینابین.

پس از گردآوری داده‌ها در این مرحله، شاخص اجماع به شکل زیر محاسبه شده است:

تعداد پاسخ‌ها به گزینه الف $\times 2$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه ب $\times 1$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه ج $\times (-1)$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه د $\times (-2)$ + تعداد پاسخ‌ها به گزینه ه

تعداد کل پاسخ‌ها به گزینه‌های الف تا ه

هرچه شاخص اجماع به صفر نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده تشکک در باب خرده‌ابعاد انتخابی برای سنجش بعد مورد نظر و هر چه مقدار شاخص اجماع از صفر دورتر باشد نشانگر توافق بر سر موضوع مورد نظر است. در این مطالعه مقدار شاخص اجماع، بر برداری «از ۲ + تا ۲-» نشان داده شده تا میزان اجماع خبرگان کاملاً مشخص شود.

نحوه محاسبه شاخص اهمیت

این شاخص نشان‌دهنده میزان اهمیتی است که خبرگان برای هریک از خرده‌ابعاد توسعه اجتماعی قائل بوده‌اند. این شاخص نیز در مرحله دوم تکنیک دلفی و پس از حصول نتایج شاخص اجماع در باب خرده‌ابعاد توسعه اجتماعی از سوی خبرگان مورد استفاده قرار گرفت. در این مرحله از میزان اهمیت خرده ابعاد و معرف‌های عملیاتی برآمده از آن با چهار گزینه «زیاد، متوسط، کم و بی‌اهمیت» نظرخواهی شد که هریک از پاسخگویان می‌توانستند یکی از گزینه‌ها را انتخاب کنند. شاخص اهمیت نیز به صورت زیر محاسبه شده است:

$$\frac{\text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه زیاد} \times ۱۰۰ + \text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه متوسط} \times ۵۰ + \text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه کم} \times ۲۵}{\text{تعداد کل پاسخ‌ها}}$$

در همین راستا هرچه «شاخص اهمیت» هریک از خرده‌ابعاد، به ۱۰۰ نزدیک تر باشد بیانگر اهمیت بیشتر این موضوعات و هرچه نمره شاخص گرایش به صفر داشته باشد بیانگر اهمیت کمتر موضوعات مورد نظر نزد خبرگان است.

نحوه محاسبه شاخص اولویت

این شاخص برای اولویت‌بندی هرکدام از سطوح شاخص توسعه اجتماعی در سومین مرحله استفاده شد. در این مرحله پس از تجزیه و تحلیل مراحل پیشین، از نخبگان مورد مطالعه، درباره میزان اولویت مفاهیم مورد اجماع و دارای اهمیت نظرخواهی شد و آنها پاسخ‌های خود را با انتخاب یکی از گزینه‌های «اولویت زیاد، اولویت متوسط و اولویت کم» بیان کردند. شاخص اولویت نیز به صورت زیر محاسبه شده است:

$$\frac{\text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه اولویت زیاد} \times ۱۰۰ + \text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه اولویت متوسط} \times ۵۰ + \text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه اولویت کم} \times ۲۵}{\text{تعداد کل پاسخ‌ها}}$$

هرچه «شاخص اولویت» هریک از خرده‌ابعاد، به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد بیانگر اولویت بیشتر این موضوعات و هرچه نمره شاخص به صفر گرایش داشته باشد بیانگر اولویت کمتر موضوعات مورد نظر نزد خبرگان است.

در زیر به تحلیل و تبیین هرکدام از ابعاد پنجگانه توسعه اجتماعی به انضمام تفکیک‌های برآمده از اطلاعات پرسشنامه (در سطوح مختلف فرایند شاخص‌سازی) می‌پردازیم.

همبستگی (وفاق) اجتماعی

یکی از ابعاد پنجگانه مورد اجماع توسعه اجتماعی از سوی نخبگان در این مطالعه، همبستگی (وفاق) اجتماعی است. به‌طور کلی هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که مملو از وفاق یا فاقد شکاف باشد. معمولاً در همه جوامع به حکم تقسیم کار اجتماعی، بین عوامل مربوط به تبار، جنسیت، نژاد، دین و ... چندین شکاف وجود دارد. وجود چندپارگی‌های آشتی‌ناپذیر به هر شکل، مانع پیدایی همبستگی اجتماعی و وفاق عمومی می‌شود. چنین تعارضات و چندپارگی‌ها، زمینه و بستر شکاف‌ها، آشوب‌ها و بی‌نظمی‌ها را در مقابل نظم اجتماعی فراهم

می‌آورد (شمعدانی حق، ۱۳۸۱: ۲۵۵) پس می‌توان همبستگی (وفاق) اجتماعی در جامعه را به مثابه علتی در جهت شکل‌گیری نظم اجتماعی در نظر گرفت. چلبی در کتاب جامعه‌شناسی نظم، نظم اجتماعی را از دو منظر: نظم بیرونی یا نظم سیاسی و نظم درونی یا نظم وفاقی طبقه‌بندی کرده است. در نظم سیاسی، نظم اجتماعی به صورت بیرونی و از بالا با پشتوانه قدرت اعمال و مستقر می‌شود. در چنین نظمی، وفاق اجتماعی بسیار ضعیف و شکننده است. اما برخلاف نظم بیرونی، نظم درونی به علت وجود وفاق اجتماعی از موهبت اعتماد اجتماعی دوجانبه، تعهد درونی تعمیم یافته، نوعی همدلی ملی و ثبات بهره‌مند است. سازگاری و مدارای اجتماعی عمدتاً از نوع سازگاری درونی است. اعضای جامعه به صورت داوطلبانه و از روی احساس تکلیف انجام وظیفه می‌کنند. در نظمی که مبتنی بر وفاق اجتماعی تعمیم یافته باشد، اجتماع عام انحصار منابع و پاداش‌های ارزشمند را اساساً خود در اختیار می‌گیرد (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۵۸). در این خصوص و در فرایند اجرای روش‌شناسی این مطالعه در باب بعد همبستگی (وفاق) اجتماعی، خرده‌ابعاد و معرف‌های عملیاتی بسیاری از سوی صاحب‌نظران و متولیان اجتماعی پیشنهاد شد که پس از تدوین دستگاه مفهومی و نظری مناسب (همبستگی اجتماعی براساس نظم وفاقی) برطبق فرایند شاخص‌سازی و با استفاده از روش‌های محاسبه فوق‌الذکر در فرایند تکنیک دلفی (شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت) نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۲. شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت بعد همبستگی (وفاق) اجتماعی

خرده ابعاد	شاخص اجماع	شاخص اهمیت	شاخص اولویت
هویت	۱/۶	۸۵	۹۵
سرمایه اجتماعی	۱/۷	۹۲/۵	۹۵
میزان گسست یا شکاف‌های اجتماعی	۱/۵	۷۷/۵	۸۷/۵
مدارای اجتماعی	۱/۴	۷۵	۸۸/۵

جدول ۳. بعد همبستگی و وفاق اجتماعی

خرده ابعاد	معرف‌های عملیاتی
هویت	هویت روانی، هویت فرهنگی و هویت اجتماعی
سرمایه اجتماعی	اعتماد، مشارکت، حساسیت نسبت به سرنوشت
مدارای اجتماعی	مدارای عقیدتی، مدارای سازمانی، مدارای اجتماعی و مدارای رفتاری
شکاف اجتماعی	شکاف‌های جنسیتی، شهری/روستایی، نسلی، طبقاتی، قومی، مذهبی

لازم به ذکر است که معرف‌های عملیاتی هر یک از خرده ابعاد فوق که توسط

صاحب‌نظران و متولیان اجتماعی در این مطالعه انتخاب و میزان اهمیت آن نیز مورد تایید قرار گرفت، به شرح زیر می‌باشد.

عدالت اجتماعی

یکی از ابعاد پنجگانه مورد اجماع توسعه اجتماعی از سوی نخبگان در این مطالعه، «عدالت اجتماعی» است. باید گفت که در کلی‌ترین تعریف از توسعه اجتماعی به‌ویژه در رویکردهایی که به ضرورت ادغام ملاحظات توسعه اجتماعی با توسعه ملی اعتقاد دارند. توسعه اجتماعی به سه شکل زیر طبقه‌بندی و تعریف می‌شود:

جدول ۴. شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت بعد عدالت اجتماعی

خرده ابعاد	شاخص اجماع	شاخص اهمیت	شاخص اولویت
عدالت اجتماعی	۱/۶	۸۷/۵	۸۸/۵
عدالت اقتصادی	۱/۶	۸۵	۸۷/۵

توزیع عادلانه درآمدها و ثروت‌ها، (۲) مشارکت و یکپارچگی فزاینده ملی و سرانجام (۳) افزایش مستمر سطح زندگی و رفاه اجتماعی (مؤمنی، ۱۳۸۱: ۲۵). بدون شک دو محور از سه محور فوق، یعنی توزیع عادلانه درآمدها و ثروت‌ها و افزایش مستمر سطح زندگی و رفاه اجتماعی به طور تنگاتنگ با مسأله فقر و نابرابری و نهایتاً عدالت اجتماعی رابطه معنی‌داری دارد و هرگونه تلاش و برنامه‌ریزی برای تحقق این اهداف مستلزم اتخاذ رویکرد مساوات‌جویانه و معطوف به عدالت اجتماعی است. حتی تا آنجا که به محور سوم یعنی مسئله مشارکت اجتماعی مربوط می‌شود، عدالت اجتماعی و رفع فقر و نابرابری از جمله مهمترین پیش‌نیازهای امکان‌پذیر شدن مشارکت اجتماعی است. عدالت اجتماعی در این جستار به معنی کاهش عدم تعادل و تبعیض در بین افراد جامعه در تمامی ساحت‌ها (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی) تعبیر شده است. در فرایند اجرای روش‌شناسی این مطالعه در باب این بعد از توسعه اجتماعی، خرده-ابعاد و معرف‌های عملیاتی بسیاری از سوی صاحب‌نظران و متولیان اجتماعی پیشنهاد شد که پس از تدوین دستگاه مفهومی و نظری مناسب بر طبق فرایند شاخص‌سازی و با استفاده از روش‌های محاسبه فوق‌الذکر در فرایند تکنیک دلفی (شاخص اجماع و اهمیت و اولویت) نتایج زیر به دست آمد.

لازم به ذکر است معرف‌های عملیاتی هریک از خرده‌ابعاد فوق که صاحب‌نظران و متولیان اجتماعی در این مطالعه انتخاب کردند و میزان اهمیت آن نیز تأیید شد به شرح زیر است.

جدول ۵. معرف‌های عملیاتی خرده‌ابعاد توسعه اجتماعی

خرده‌ابعاد	معرف‌های عملیاتی
عدالت اجتماعی، فرهنگی	میزان دستیابی اقشار مختلف جامعه به اطلاعات، میزان عدم تعادل‌های منطقه‌ای در زمینه برخورداری از امکانات فرهنگی و اجتماعی، نحوه توزیع بودجه میان مناطق و بخش‌های اقتصادی و اجتماعی
عدالت اقتصادی	نحوه توزیع درآمد در جامعه، نسبت شکاف درآمدی، تعیین خط فقر

کیفیت زندگی

یکی از ابعاد پنجگانه مورد اجماع توسعه اجتماعی توسط نخبگان در این مطالعه، کیفیت زندگی است. به طور کلی در بررسی نظری و تجربی مفهوم کیفیت زندگی می‌توان از دو رویکرد در سطوح عاملیتی و ساختاری بهره‌گرفت؛ در سطح عاملیتی نقش محوری برای عامل انسانی لحاظ شده است. در این سطح کیفیت زندگی بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد است تا شرایط ساختاری اجتماعی یا محیط پیرامونی. با توجه به تفاوت‌های روش‌شناختی و معرفت‌شناختی، چهار رویکرد عاملیتی (مطلوبیت‌گرایی، ارزش‌های عام، رویکرد نیازمحور و رویکرد قابلیت) قابل بررسی‌اند. در سطح ساختاری کیفیت زندگی در معنای واقعی آن نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه عدالت توزیعی مفهوم‌سازی شود؛ مفهومی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند. برخی رویکردهای ساختاری به کیفیت زندگی، بر شرایط عینی و ذهنی متکی بر منابع و فرصت‌های زندگی تمرکز دارند و برخی نیز بر نسبت فرهنگی کیفیت زندگی و نقش اساسی پوشش‌های اقتصادی-اجتماعی و روابط اجتماعی با محوریت مفاهیم سرمایه اجتماعی و فرایند مطروذیت اجتماعی تمرکز دارند (غفاری، ۱۳۸۸: ۸-۷۸).

در فرایند اجرای روش‌شناسی این مطالعه درخصوص این بعد از توسعه اجتماعی، خرده‌ابعاد و معرف‌های عملیاتی بسیاری از سوی صاحب‌نظران و متولیان اجتماعی پیشنهاد شد که پس از تدوین دستگاه مفهومی و نظری مناسب (با تأکید بر رهیافت توسعه انسانی) بر طبق فرایند شاخص‌سازی و با استفاده از روش‌های محاسبه فوق‌الذکر در فرایند تکنیک دلفی (شاخص اجماع و اهمیت و اولویت) نتایج زیر به‌دست آمد.

جدول ۶. شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت بعد کیفیت زندگی

خرده ابعاد	شاخص اجماع	شاخص اهمیت	شاخص اولویت
بهداشت و سلامت	۱/۶	۸۵	۹۰
تأمین اجتماعی	۱/۶	۸۰	۹۵
امکانات و شرایط مادی	۱/۵	۶۰	۸۲/۵
امید به زندگی	۱/۷	۸۲/۵	۸۵
رضایتمندی از زندگی	۱/۷	۷۲/۵	۸۲/۵
آموزش	۱/۴	۹۰	۹۰
اشتغال	۱/۸	۸۷/۵	۹۵
شاخص‌های جمعیتی	۱/۵	۷۵/۵	۸۵

امنیت اجتماعی

یکی از ابعاد پنجگانه مطرح شده در خصوص اجماع توسعه اجتماعی توسط نخبگان در این مطالعه، امنیت اجتماعی است. بر سر معنای لغوی امنیت در علوم مختلف از جمله مطالعات امنیتی و جامعه‌شناسی مناقشه‌ای وجود ندارد، بلکه چشم‌اندازهای نظری این علوم است که باعث تفاوت در حوزه مفهومی امنیت می‌شود و مفروضات و اصول متفاوتی را به بار می‌آورد (نویدینیا، ۱۳۸۸: ۵۷). بوزان معتقد است که تعریف لغوی امنیت عبارت است از: حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی). به اعتقاد بوزان اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است، ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. تهدیدات موجود در جامعه اشکال بسیار متنوعی دارد اما اصولاً سه نوع هستند:

(۱) تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، (۲) تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، دسترسی نداشتن به کار یا منابع)، (۳) تهدیدات نسبت به حقوق (زندان شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی مدنی) همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (تنزل رتبه، تحقیر در انظار عامه). غالباً این تهدیدات با هم همبستگی دارند یعنی وقوع یکی از آنها ممکن است به بروز عواقبی در دیگری منجر شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴). امنیت در داخل جامعه در سطوح مختلف قابل طرح است؛ از فرد گرفته تا قبیله و شهر و جامعه ملی و فراملی، که در هر سطح، موضوع امنیت به طریقی مدنظر قرار می‌گیرد.

در فرایند اجرای روش‌شناسی این مطالعه در باب این بعد از توسعه اجتماعی، خرده ابعاد و معرف‌های عملیاتی بسیاری از سوی صاحب‌نظران و متولیان اجتماعی پیشنهاد شد که پس از

تدوین دستگاه مفهومی و نظری مناسب بر طبق فرایند شاخص سازی و با استفاده از روش های محاسبه فوق الذکر در فرایند تکنیک دلفی (شاخص اجماع و اهمیت و اولویت) نتایج زیر به دست آمد:

جدول ۷. شاخص های اجماع، اهمیت و اولویت بعد کیفیت زندگی

خرده ابعاد	شاخص اجماع	شاخص اهمیت	شاخص اولویت
امنیت عینی	۱/۷	۸۵	۸۵/۵
امنیت ذهنی	۱/۵	۸۰	۸۹/۵

لازم به ذکر است معرف های عملیاتی هریک از خرده ابعاد فوق که توسط صاحب نظران و متولیان اجتماعی در این مطالعه انتخاب شد و میزان اهمیت آن نیز مورد تأیید قرار گرفت به شرح زیر است:

جدول ۸. بعد امنیت اجتماعی

خرده ابعاد	معرف های عملیاتی
امنیت عینی	میزان و نرخ انواع جرائم و آسیب های اجتماعی در سری های زمانی
امنیت ذهنی	احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی، احساس امنیت فکری، احساس امنیت جمعی،
(احساس امنیت)	احساس امنیت حقوقی

اخلاق توسعه اجتماعی

یکی از ابعاد پنجگانه توسعه اجتماعی در این مطالعه، اخلاق توسعه اجتماعی است. ماکس وبر در مطالعاتش در مورد جایگاه فرهنگ در توسعه صنعتی به این نتیجه رسید که ظهور سرمایه داری و پی آمد آن توسعه سریع اقتصادی و مجموعه ای از دگرگونی های ارزشی و باوری _ که با ظهور پروتستان کالونی ارتباط دارد _ میسر ساخته است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵۲). بر همین اساس اینگلهارت نیز در کتاب «تحول فرهنگی در کشورهای پیشرفته صنعتی» معتقد است که دگرگونی های مهم فرهنگی، انقلاب صنعتی را در غرب آسان ساخت؛ انقلاب صنعتی جریانی از تغییرات را با خود آورد و به فرهنگ های مغرب زمین شکل نوینی بخشید (راد، ۱۳۸۲: ۷۲). سیدیکی دیاکیت^۱ نیز در مقاله ای با عنوان «توسعه فقط مسئله فن سالارانه نیست» بر این عقیده است که توسعه با توجه به چندبعدی بودنش، دربرگیرنده شرایط عینی مشخص (اقتصادی و فنی) است که به ما اجازه می دهد پیشرفتی را آغاز کنیم، اما توسعه در عین حال

۱. Sidiki Diakite

به جنبه‌های ذهنی نیز مربوط می‌شود، جنبه‌هایی که امکان کنترل این پیشرفت و کانالیزه کردن آن را پدید می‌آورد تا از حیطه کنترل خارج نشود و منشأ مشکلات اجتماعی دیگری نگردد (دیاکیت، ۱۳۷۳: ۶۹). در ارتباط با جایگاه اخلاق و فرهنگ در فرایند توسعه به معنای اعم می‌توان حالت‌های متفاوتی را متصور شد اما اگر توسعه را در مفهوم جامع در نظر بگیریم ولی فرهنگ را صرفاً معطوف به اخلاق مرتبط با توسعه یا فرهنگ معنوی منظور کنیم در این حالت مفهوم اخلاق توسعه، یک بعد از فرایند توسعه خواهد بود که رابطه تعاملی با ابعاد دیگر توسعه (توسعه اجتماعی) خواهد داشت. در این حالت میان پیشرفت در سخت‌افزارهای توسعه اجتماعی مثل پیشرفت‌های تکنولوژیک، اقتصادی، افزایش کیفیت زندگی و رفاه اقتصادی و اخلاق توسعه اجتماعی رابطه تعاملی وجود دارد؛ به این شکل که اخلاق توسعه اجتماعی با تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌ها، شرایطی مناسب برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد (ورجواند، ۱۳۶۸: ۲۳).

جدول ۹. شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت بعد اخلاق توسعه اجتماعی

خرده ابعاد	شاخص اجماع	شاخص اهمیت	شاخص اولویت
نوع کنش (عاطفی/منطقی)	۱/۶	۸۰	۹۰
اخلاق شهروندی	۱/۴	۸۵/۵	۸۸
فرهنگ انطباق (شخصیت انتقالی)	۱/۲	۸۵/۵	۹۰
فرهنگ ریسک‌پذیری	۱/۲	۷۵	۸۵
فرهنگ آینده‌نگری	۱/۱	۷۵	۸۵
فرهنگ نظم	۱/۲	۷۵	۸۵
فرهنگ تأثیرگذاری	۱	۷۵	۸۰
اعتقاد به علم	۱/۱	۸۰	۸۷
میل و نیاز به پیشرفت	۱/۴	۸۵	۹۲/۵
فرهنگ کار	۱/۳	۸۷/۵	۹۵

اخلاق توسعه، شیوه اندیشیدن، احساس کردن و سرانجام تمایل به رفتار خاصی از سوی افراد یک جامعه است. در فرایند اجرای روش‌شناسی این مطالعه درخصوص این بعد از توسعه اجتماعی، خرده‌ابعاد و معرف‌های عملیاتی بسیاری از سوی صاحب‌نظران و متولیان اجتماعی پیشنهاد شد که پس از تدوین دستگاه مفهومی و نظری مناسب بر طبق فرایند شاخص‌سازی و با استفاده از روش‌های محاسبه فوق‌الذکر (شاخص اجماع و اهمیت و اولویت) نتایج جدول ۹ به دست آمد.

نتیجه گیری

توسعه اجتماعی، بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی از طریق نهادینه کردن اخلاق توسعه، به ویژه «اخلاق توسعه اجتماعی» برای حصول به «همبستگی (وفاق) اجتماعی» و افزایش «کیفیت زندگی» در جهت برقراری «عدالت اجتماعی» و ارتقای ضریب «امنیت اجتماعی» است. با اندکی تأمل به سادگی می توان از جایگاه، شأن، اهمیت توسعه اجتماعی، شاخص ها و ابعاد تشکیل دهنده آن در معادلات توسعه ای کشورهای صنعتی و پیشرفته دنیا، بخصوص کشورهای اروپای غربی، امریکای شمالی و همچنین استرالیا سخن گفت؛ اما در سطح ملی متأسفانه به رغم پیشرفت های صنعتی و اقتصادی در دهه های گذشته و همچنین پتانسیل های موجود در قوانین کلان کشوری و سیاست ها و برنامه های توسعه کشور در امر توسعه اجتماعی، شاهد تغییرات چندانی به نسبت دیگر حوزه ها به طور عینی نبوده ایم. چراکه هنوز در فحواي ادبیات عملی سیاست های توسعه ای و همچنین متولیان اجتماعی، توسعه اجتماعی (کارکردها، مؤلفه ها و شاخص های مربوط به آن) تقریباً ناشناخته و آزمایش نشده است. لذا توجه بیشتر مسئولان و متولیان کشوری نسبت به این رکن اساسی توسعه پایدار ضرورت دارد. در فرایند شاخص سازی توسعه اجتماعی، با تأکید بر روش دلفی و استفاده از نخبگان علمی و ابزاری توسعه اجتماعی، ابعاد مختلف این مفهوم در قالب پنج محور همبستگی (وفاق) اجتماعی، عدالت اجتماعی، رفاه و کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و سرانجام اخلاق توسعه اجتماعی ارائه شده است. بخش یافته های مطالعه، با استفاده از تحلیل و محاسبه شاخص های «اجماع، اهمیت و اولویت» به گردآوری و شناسایی سطح بعدی فرایند شاخص سازی توسعه اجتماعی (خرده- ابعاد) اختصاص دارد. نکته قابل توجه در نتایج محاسبات شاخص های مورد مطالعه، دستیابی به اجماع و توافق بر سر ابعاد و خرده ابعاد در نظر گرفته شده در باب توسعه اجتماعی بوده است؛ هرچند که در محاسبه شاخص اولویت نیز نتایج نسبی تقریباً یکسان و برابری به دست آمد ولی بعد همبستگی (وفاق) اجتماعی با اختلاف ناچیزی به نسبت دیگر ابعاد توسعه اجتماعی در اولویت بندی شاخص مذکور رتبه اول را به خود اختصاص داد (نمره ۸۹/۴). پس از آن بعد کیفیت زندگی (با نمره ۸۸/۷۵)، اخلاق توسعه اجتماعی (با نمره ۸۸/۵)، عدالت اجتماعی و امنیت اجتماعی (با نمره ۸۷/۵) قرار گرفته اند. لازم به ذکر است که عمق واکاوی مفهوم توسعه اجتماعی در این مطالعه در سه سطح «ابعاد، خرده ابعاد، معرف های عملیاتی» بوده است که شناسایی و معتبر سازی متغیرهای تجربی هر کدام از معرف های مذکور، بنا به شرایط بافتاری (تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی) هر جامعه قابل تعدیل است.

منابع

- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵) بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستانهای استان اصفهان، دانشگاه اصفهان .
- اکبری، غضنفر (۱۳۸۰) «وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی»، اولین همایش توسعه اجتماعی، برگزارکننده: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، تهران .
- بخارایی، احمد (۱۳۸۰) «نگاه خرد کلان به توسعه اجتماعی»، اولین همایش توسعه اجتماعی، برگزار کننده دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .
- راد، فیروز (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی، تهران انتشارات چاپخش .
- ریاحی، وحید (۱۳۸۰) «وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی»، اولین همایش توسعه اجتماعی، برگزار کننده : دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۶) توسعه و نابرابری، تهران، مازیار.
- دیاکت، سیدیکی (۱۳۷۳) توسعه فقط مسئله فن‌سالارانه نیست، ترجمه احمد محقق، مجموعه کتاب توسعه، شماره ۳ .
- سیمبر، رضا (۱۳۸۰) «عدالت اجتماعی و توسعه اجتماعی»، اولین همایش توسعه اجتماعی، برگزار کننده : دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .
- شمعدانی‌حق، علی (۱۳۸۰) «ابعاد روش شناختی توسعه‌ی اجتماعی (شاخص‌های کمی و کیفی)»، اولین همایش توسعه اجتماعی، برگزارکننده دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .
- شاخص‌های توسعه اجتماعی کشور به تفکیک استان (۱۳۸۱) شرکت بین‌المللی پردازش اطلاعات نقش کلیک .
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۰) «توسعه اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی امروزی»، اولین همایش توسعه اجتماعی، برگزار کننده : دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۷) کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی، تهران، انتشارات شیرازه .
- فرانک، آندره گوندر، (۱۳۵۹) جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی جامعه‌شناسی، منوچهر سناجیان،

- تهران: انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.
- کلانتری، ص و ، م گنجی (۱۳۸۴) «بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی ایران»، اطلاعات سیاسی، اقتصادی شماره ۲۱۲.
- گای، دارام و دیگران (۱۳۷۱) «بررسی شاخص‌های انسانی و اجتماعی توسعه»، گاهنامه روستا و توسعه، جهاد سازندگی، شماره چهارم.
- لشکری، محمد (۱۳۷۷) «شاخص‌های رفاه اجتماعی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۱-۱۳۲.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰) «نقش گروه‌های قومی در توسعه اجتماعی»، اولین همایش توسعه اجتماعی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مومنی، فرشاد (۱۳۸۰) «نسبت توسعه اجتماعی با عدالت اجتماعی»، اولین همایش توسعه اجتماعی، برگزار کننده: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- نظری، محسن «مشخصه‌های تحول بازار نیروی کار در چهار دهه اخیر (۱۳۵۷-۱۳۸۵)» اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۲-۱۳۱.
- نویدینیا، منیژه (۱۳۸۸) امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۶۸) پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- همتی، فریده (۱۳۸۹) سیاست اجتماعی؛ نظریات کلاسیک، مدرن، پست مدرن و مطالعات مقایسه‌ای، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
- Alexander, J. Ruel (۱۹۹۵), **Civil Societies**, Sage publication, London.
- Bellah, Robert, (۱۹۶۳), "Reflection on The Protestant Ethic Analogy in Asia", **Journal of Social Issue**, Jan,
- Geertz, Clifford, (۱۹۵۶), **The Development of The Javanese Economy: A sosio- cultural Approach**. Mass.: MIT Center for International Studies.
- Habermas, Jurgen, (۱۹۷۹), **Communication And The Evolucion Of Society**, Boston: Beacon Press, Translated By: Mc Carthy.
- Human Development Report**, (۲۰۰۸). p. ۲۳۱. Retrieved ۲۶ March ۲۰۰۹.
- Lerner, Danial, (۱۹۵۸), **Ncoe**, III. The Free Press.
- Parsons, T, **The Passing of Traditional Society: Modernizing The Middle East**, Gle (۱۹۷۱), **The System of Modern Societies**, Englewood cliffs, NJ: Prentice - Hall.
- Rogers, Everrt M., (۱۹۶۹), **Modernization Among: The Impact Of Communication**, Holt: Rinehert Winston.
- Smith, David M., (۱۹۷۹), **Where the grass is greener-living in an unequal world**, Penguin books.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.